

The process of China's accession to the World Trade Organization

Masood Kamali Ardakani

Faculty Member of the Institute for Trade Studies and Research (ITSR), Tehran, Iran.

m.kamali@itsr.ir

Abstract

By adopting an open door policy in the 1970s, China gradually became an emerging power in the international arena, increasing its economic power, and now is a major player in the political arena, challenging the interests of the great powers. The process of economic reform in China changed dramatically in the mid-1980s (before joining the World Trade Organization) and this development can be well seen in the trade performance of this economy. China is now a major player in international trade, both in terms of imports and exports. Moving from the older methods of import planning to issuing import licenses and then using customs tariffs, the market mechanism and price have a special place as the most important determining factors in China's future relations with the rest of the world. In view of the above, the author of the present work seeks to answer the strategic question: what are the hidden goals of the People's Republic of China through its accession to the World Trade Organization? The hypothesis that can be posed against this question is that Meanwhile, China's accession to the World Trade Organization as part of China's economic reform process has enabled them to consolidate the benefits of the trade reform process pursued by the Chinese government in the two decades before accession and to lay the groundwork for future reforms.

Keywords: *China Economy, World Trade Organization (WTO), Pcess of WTO Accession, Economoic Liberalization*

فرایند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی^۱

مسعود کمالی اردکانی

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران m.kamali@itsr.ir

چکیده

کشور چین با اتخاذ سیاست درهای باز در دهه ۱۹۷۰ میلادی رفته‌رفته با افزایش قدرت اقتصادی خود، تبدیل به قدرتی نوظهور در عرصه بین‌المللی شد و در حال حاضر به بازیگری اصلی در معادلات سیاسی تبدیل شده است و منافع قدرت‌های بزرگ را به چالش می‌کشد. فرایند اصلاحات اقتصادی در چین از اواسط دهه ۱۹۸۰ (قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی) تحول جدی یافت. این تحول را به خوبی می‌توان در عملکرد تجاری این کشور مشاهده کرد. در حال حاضر چین چه از نظر واردات و چه از نظر صادرات به بازیگری مهم در تجارت بین‌الملل بدل گشته است. حرکت از روش‌های قدیمی‌تر به سمت برنامه‌ریزی واردات با روش صدور مجوزهای وارداتی و استفاده از تعرفه‌های گمرکی، موجب شده است سازوکار بازار و قیمت به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در روابط آتی چین با بقیه دنیا از جایگاه خاصی برخوردار شود. بر این اساس این نوشتار درصدد پاسخ به چرایی این پرسش راهبردی برآمده است که «جمهوری خلق چین از رهگذر الحاق به سازمان تجارت جهانی چه اهداف پیدا و پنهانی را دنبال می‌کند؟» فرضیه مطرح در مقابل پرسش مذکور ناظر است بر اینکه الحاق چین به سازمان تجارت جهانی به‌عنوان بخشی از فرایند اصلاحات اقتصادی چین به این کشور امکان داد تا منافع حاصل از فرایند اصلاحات تجاری دولت چین را که طی دو دهه قبل از الحاق به عمل آورده بود تثبیت کند و مبنای ادامه اصلاحات آتی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد چین، سازمان تجارت جهانی، فرایند عضویت در سازمان تجارت جهانی، آزادسازی اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۶۸۱-۷۱۲

مقدمه

جمهوری خلق چین یکی از ۲۳ کشوری است که در سال ۱۹۴۸ برای اولین بار سند «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت» موسوم به «گات» را امضا کردند؛ اما پس از پیروزی انقلاب ۱۹۴۹، دولت تایوان (چین) در سال ۱۹۵۰ اعلام کرد از موافقت‌نامه گات خارج خواهد شد. دولت پکن هرگز این خروج را مورد شناسایی قرار نداد، اما چهل سال بعد به گات اطلاع داد آماده است درباره شرایط عضویت خود مجدداً به مذاکره بپردازد. به این ترتیب فرایند بازگشت مجدد چین به نظام تجارت چندجانبه ۱۵ سال به طول انجامید که طولانی‌ترین و دشوارترین مذاکرات الحاق در تاریخ گات و سازمان تجارت جهانی بود. در این رابطه، در مارس ۱۹۸۷ گروه کاری گات برای الحاق چین تشکیل شد، اما پس از برگزاری بیش از بیست جلسه مشورتی به هیچ نتیجه‌ای نرسید. با شکل‌گیری «سازمان تجارت جهانی»^۱، گروه کاری گات جای خود را به گروه کاری سازمان تجارت جهانی برای الحاق چین داد و بالاخره پس از برگزاری نشست‌های متعدد در ۱۷ سپتامبر ۲۰۰۱ با پایان یافتن آخرین اجلاس گروه کاری الحاق چین در سازمان تجارت جهانی، فرایند مذاکرات الحاق این کشور پس از سال‌ها کامل شد و متعاقباً اجلاس وزیران سازمان تجارت جهانی در دوحه قطر در روز دهم نوامبر ۲۰۰۱ رسماً شرایط الحاق این کشور را تأیید کرد. دولت چین نیز روز بعد تصویب پروتکل الحاق را به اطلاع سازمان رساند. سرانجام با توجه به رویه معمول در سازمان تجارت جهانی

^۱General Agreement on Tariff and Trade (GATT)

^۲World Trade Organization (WTO)

و بر اساس پروتکل الحاق چین، این کشور ۳۰ روز بعد، یعنی در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد (پایگاه خبری آفتاب، ۱۳۸۷).

این رویداد تحولی محوری برای نظام اقتصادی جهانی محسوب می‌شد و تعهد ج‌سورانه این کشور برای اصلاحات اقتصادی، مورد تحسین همگان قرار گرفت؛ چراکه بازتابی از چالش انطباق اقتصاد کمونیستی چین با قوانین تجارت جهانی و اصرار جامعه بین‌المللی مبنی بر پایبندی چین به تعهدات بین‌المللی و شرایط بلندپروازانه آن بود. مقامات آمریکایی امید زیادی داشتند که این شرایط ورود، چین را در مسیر آزادسازی بازار قرار دهد و اقتصاد آن را در نظام اقتصادی جهانی ادغام کند. رئیس‌جمهور ایالات متحده، «بیل کلینتون»،^۱ پیوستن پکن به سازمان تجارت جهانی را مهم‌ترین فرصتی تعبیر کرد که از دهه ۱۹۷۰ برای ایجاد تغییر مثبت در چین رخ داده است و اظهار داشت که عضویت در سازمان جهان تجارت چین را متعهد می‌کند طبق قوانین سیستم تجارت بین‌المللی عمل نماید. رئیس‌جمهور چین، «جیانگ زمین»^۲ و نخست‌وزیر چین، «ژو رونگجی»،^۳ عزم مشابهی در عضویت در سازمان تجارت جهانی داشتند. از نظر آن‌ها پیوستن به این سازمان نه تنها فقط برای کشوری با اندازه چین و پتانسیل اقتصادی مناسب بود، بلکه این امر چین را به پیشبرد اصلاحات داخلی لازم مجبور می‌کرد (Yeling Tan, 2021, p. 1).

درباره ملاحظات مرتبط با فرایند الحاق جمهوری اسلامی ایران به سازمان تجارت جهانی ابتدا باید این انگاره را مدنظر قرار داد که این سازمان نه یک سازمان اهریمنی است و نه فرشته نجات کشورهای درحال توسعه و طبقات فقیر جوامع؛ این سازمان برای گسترش تجارت جهانی در سطح بین‌الملل به وجود آمده است؛ نه برای تعادل طبقاتی، ابقا و گسترش حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست و سایر مسائل مهمی که ممکن است حتی کلیدی باشند. گفتنی است که دستیابی و عضویت سازمان تجارت جهانی داروی شفابخش تمامی امراض سیاسی، اقتصادی

^۱Bill Clinton

^۲Jiang Zemin

^۳Zhù Róngji

و فرهنگی هیچ کشوری نیست؛ ولی می‌تواند گامی بلند در جهت بهسازی ساختار اقتصادی و رشد اقتصادی کشورها باشد با در نظر گرفتن این انگاره ژرف می‌توان اذعان داشت که در صورت مثبت بودن فضا برای عضویت ایران در سازمان مذکور، در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن، الحاق نهایی جمهوری اسلامی ایران پنج سال به طول خواهد انجامید و در صورت الحاق موفق می‌توان شاهد ثمرات مثبت آن در عرصه اقتصادی کشور بود. با وجود این، می‌طلبد که دولتمردان ایران اسلامی با در نظر گرفتن تجربه کشورهای موفق همچون جمهوری خلق چین، اصلاحات بنیادین اقتصادی را در زمینه‌های قوانین و مقررات، زیرساخت‌های صنعتی و اقتصادی، تولید باکیفیت جهانی، بهبود فضای کسب‌وکار و اصلاح قوانین بانکی و گمرکی جهت الحاق به سازمان تجارت جهانی در دستور کار خود قرار دهند.

متأثر از موارد پیش‌گفته، پژوهش حاضر در پرتو مفاهیم و معناها کوشیده است به چرایی این پرسش پاسخ گوید که جمهوری خلق چین از رهگذر الحاق به سازمان تجارت جهانی چه اهداف پیدا و پنهانی را دنبال می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش تلاش شده است تا ضمن بررسی فرایند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، به آثار و تبعات این الحاق بر اقتصاد چین و اقتصاد جهانی نیز پرداخته شود.

این نوشتار در چهار بخش مجزا و البته مرتبط با هم ترتیب‌بندی شده است: در بخش نخست سازوکارهای الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی مورد بررسی قرار گرفته و روند، فرایند و تعهدات چین برای الحاق به این سازمان تشریح شده است. پس از تبیین چگونگی الحاق چین به سازمان مذکور، در پرتو مفاهیم و معناها و با استناد به آمار متقن و دست‌اول، به چشم‌انداز عملکرد اقتصادی چین پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی اشاره گشته و در گام پایانی، تحت عنوان «درس‌هایی برای ایران»، تلاش شده است که مجموعه مفروضات و تجربیات به‌دست‌آمده از روند و فرایند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، در رابطه با جمهوری اسلامی ایران تعمیم داده شود.

۱. سازوکار الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی

فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی با دیگر سازمان‌های بین‌المللی که غالباً یک روند خودکار بهره‌مندند، به کلی متفاوت است. بر اساس ماده ۱۲ موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی، الحاق در شرایط مورد توافق سازمان با دولت متقاضی صورت خواهد گرفت؛ پس فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی اساساً فرایند مذاکره‌ای است که این امر پیوستن به این سازمان را پیچیده، دشوار و زمان‌بر ساخته است.

هر کشور یا قلمرو مجزای گمرکی که خودمختاری کاملی در تجارت خارجی دارد، می‌تواند طبق شرایط مورد توافق میان خود و سازمان تجارت جهانی به آن بپیوندد. این کار طی مذاکراتی صورت می‌گیرد که در آن‌ها کشورهای متقاضی الحاق باید بپذیرند اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقت‌نامه‌های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این ملزم است تعهداتی را برای کاهش تعرفه‌ها و اصلاح مقررات خود بپذیرد تا دسترسی بیشتری را برای کالاها و خدمات خارجی فراهم نماید.

فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی شامل محورهای زیر است: بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق، مذاکره، تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات ۱۹۹۴، تهیه جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و توافق درباره گزارش گروه کاری و سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاوله‌نامه‌ای) که شرایط الحاق را معین می‌سازد. مراحل این فرایند طبق سندی که دبیرخانه سازمان تجارت جهانی منتشر کرده است^{۱۰} عبارت‌اند از:

الف) درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری: کشور متقاضی الحاق، درخواست رسمی خود را تسلیم مدیرکل سازمان می‌کند. پس از ارسال این درخواست برای تمامی اعضا، شورای عمومی درخواست الحاق و تشکیل گروه کاری الحاق کشور مزبور را بررسی می‌نماید. عضویت در گروه کاری برای همه اعضای ذی‌نفع آزاد است. وظیفه گروه کاری بررسی تقاضای الحاق و ارائه

توصیه‌هایی به شورای عمومی یا نشست وزیران است که می‌تواند دربردارنده پیش‌نویس پروتکل الحاق باشد.

ب) بررسی رژیم تجاری: کشور متقاضی الحاق، یادداشت مشروح رژیم تجارت خارجی خود و اطلاعات آماری مربوط را برای توزیع بین کلیه اعضا ارائه می‌کند. دبیرخانه مطابقت ساختار یادداشت را با طرح کلی رژیم تجاری بررسی و نظر خود را به متقاضی و اعضای گروه کاری اعلام می‌نماید.^{۷۱} هم‌زمان از جدول تعرفه متقاضی و قوانین و مقررات مرتبط با تجارت نسخه‌هایی آماده می‌گردد. خلاصه یا ترجمه متون مزبور بین اعضای گروه کاری توزیع و اصل متون جهت مراجعه در دبیرخانه نگهداری می‌شود.

پس از توزیع یادداشت، از اعضای گروه کاری دعوت می‌شود تا برای روشن کردن نحوه اجرای رژیم تجارت خارجی متقاضی، پرسش‌های خود را به صورت مکتوب ارائه کنند. جواب‌ها هم باید به صورت مکتوب و برحسب عناوین به همان نحو باشد که در ساختار یادداشت آمده است. به‌مجرد درخواست هر یک از اعضای گروه کاری، کشور متقاضی اطلاعات مربوط به الحاق را درباره عناوینی که در طرح کلی یادداشت نیامده است، به گروه کاری ارائه می‌کند. در جلسات گروه کاری، نمایندگان کشور متقاضی و اعضای گروه کاری، یادداشت و پرسش و پاسخ‌ها را بررسی می‌کنند. آمادگی برای جلسات می‌تواند از طریق مشاوره‌های غیر رسمی با اعضای گروه کاری و دبیرخانه فراهم شود. پس از آنکه بررسی رژیم تجاری به اندازه کافی پیشرفت کرد، اعضای گروه کاری می‌توانند مذاکرات دوجانبه را درباره دسترس به بازار کالاها و خدمات و مذاکرات و شرایط دیگری که باید مورد توافق قرار گیرد شروع نمایند. اقدامات «حقیقت‌یابی» در مورد رژیم تجاری و مرحله مذاکرات می‌توانند توأمان و به موازات هم پیش روند.

ج) مذاکرات دوجانبه و چندجانبه: مذاکرات دوجانبه درباره جدول امتیازات و تعهدات کالایی و جدول تعهدات ویژه در زمینه خدمات با طرح پیشنهادی اعضای ذی‌نفع یا کشور متقاضی به‌عنوان مبنای مذاکرات جریان می‌یابد. توقع بر

این است که تعرفه‌های پیشنهادی برای تثبیت، از نظر تجاری قابل دوام و منعکس‌کننده مزایای عمومی باشد؛ زیرا پس از عضویت نصیب کشور متقاضی می‌گردد. پس از به نتیجه رسیدن مذاکرات دوجانبه، جدول امتیازات و تعهدات گات ۱۹۹۴ و جدول تعهدات ویژه در مورد موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات تهیه و به صورت چندجانبه بررسی و به‌عنوان بخشی از پیش‌نویس پروتکل الحاق ضمیمه آن می‌شود.

د) گزارش گروه کاری، پروتکل الحاق و لازم‌الاجرا شدن آن: هنگامی که مذاکرات در مورد جداول کالاها و خدمات به نتیجه رسید و گروه کاری وظایفش را به انجام رسانید، گروه کاری گزارش خود را همراه با پیش‌نویس تصمیم و پروتکل الحاق به شورای عمومی یا نشست وزیران تقدیم می‌کند.

این گزارش مشتمل بر خلاصه‌ای از مباحث انجام‌شده در گروه کاری و پروتکل الحاق شامل شرایط مورد توافق بین کشور متقاضی و اعضای گروه کاری درباره الحاق بوده، مفاد آن منعکس‌کننده وضعیت خاص متقاضی است. پس از اینکه شورای عمومی یا نشست وزیران گزارش گروه کاری را تأیید کرد و پیش‌نویس تصمیم با اکثریت دوسوم آرای مثبت اعضای سازمان تجارت جهانی به تصویب رسید، پروتکل الحاق سی روز پس از پذیرش متقاضی که از طریق امضا و در صورت نیاز با تأیید مجلس و از طریق سپردن اسناد تصویب می‌گردد، لازم‌الاجرا می‌شود.

۲. تبیین روند و فرایند الحاق چین به سازمان تجارت جهانی

به لحاظ تاریخی، چین یکی از ۲۳ امضاکننده اصلی گات در سال ۱۹۴۸ بود؛ اما پس از تأسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، مقامات تایوان اعلام کردند که چین گات را ترک خواهد کرد. پس از روی کار آمدن مائو در سال ۱۹۴۹، رویکرد چین نسبت به نظم تجاری بین‌الملل بیشتر مبتنی بر دوجانبه‌گرایی بود که ریشه آن را می‌توان در نگرانی‌های موجود درباره تضعیف حاکمیت در دوره مائو دانست. در این دوره رهبران چین، به علت فقر و انزوای سیاسی، تعامل چندانی با سازمان ملل و دیگر نهادهای مهم نظام بین‌الملل از جمله گات نداشتند (مازار و همکاران،

۱۳۹۸، ص. ۲۵). پس از اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرایانه اقتصادی در اواخر دهه ۷۰ میلادی و به تبع آن رشد اقتصادی این کشور، حضور آن در نهادهای مالی و تجاری نظم بین‌المللی پررنگ شد. علاوه بر این در سال ۱۹۸۷ چین در جریان روند اصلاحات اقتصادی، درخواستی برای ازسرگیری وضعیت خود به‌عنوان عضو گات ارائه داد. در مارس ۱۹۸۷ گروه کاری گات با محور الحاق چین تشکیل و در نوامبر همان سال نخستین اجلاس آن تشکیل شد. درخواست چین برای بازگشت مجدد به‌نظام تجارت چندجانبه ۱۵ سال به طول انجامید که طولانی‌ترین و دشوارترین مذاکرات الحاق در تاریخ گات و سازمان تجارت جهانی بود (Chen, 2019, p. 122).

چین در سال ۲۰۰۱ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد. همکاری و عضویت این کشور در سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان تجارت جهانی، زمینه توسعه اقتصادی هرچه بیشتر آن را برای تبدیل به قدرت برتر اقتصادی فراهم نمود. چین به تدریج در سیستم تجارت چندجانبه همگرایی پیدا کرد و به بازیگر مهمی در تنظیم دستورالعمل و تصمیم‌سازی در سازمان تجارت جهانی بدل شد (Li and Tu, 2018, p. 108). یکن با الحاق به سازمان تجارت جهانی و پذیرش قواعد نظم تجاری، متعهد به پایبندی بر اصول سازمان تجارت جهانی شامل عدم تبعیض، حمایت از تجارت، حمایت از رقابت و مسائلی از این دست شد. البته در مقابل از امتیازات اعضای این سازمان نیز بهره‌مند گردید (موسوی شفقایی و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۵۵) و در پرتو چنین اقداماتی بود که مشارکت گسترده چین در نهادهای رسمی و غیررسمی نظم تجاری به بارزترین نحو ممکن نمود یافت. به گفته «آندرو نیتان» چین «از موضع تقریباً عدم مشارکت در رژیم‌های بین‌المللی به موضع کنونی رسیده است که در آن تقریباً در تمام رژیم‌های بین‌المللی مهم که واجد شرایط مشارکت باشد، حضور دارد» (Nithan, 2016, p. 172).

اهمیت چین به‌عنوان یک کشور فعال در امر تجارت موجب جلب توجه سایرین به فرایند الحاق این کشور به سازمان تجارت جهانی شد و ۴۴ عضو این سازمان از جمله اتحادیه اروپا که خود از ۱۵ کشور تشکیل شده است (در مجموع

حدود ۶۰ کشور)، نسبت به انجام مذاکرات دوجانبه دسترسی به بازار با چین ابراز علاقه کردند. با به نتیجه رسیدن تمامی این مذاکرات با کمک دبیرخانه سازمان تجارت جهانی، جدول امتیازات و تعهدات کالایی چین و جدول تعهدات خاص این کشور در زمینه خدمات تهیه شد. این جداول متعاقباً در گروه کاری مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید، با عنوان جداول کالایی و خدمات پیوست پروتکل الحاق چین گردیدند و بر اساس «اصل دولت کامله‌الوداد» جنبه چندجانبه یافت و شامل حال تمامی اعضای سازمان شد. به این ترتیب، این تعهدات دوجانبه بخشی از یک موافقت‌نامه چندجانبه را تشکیل دادند که شامل شرایط عضویت چین در سازمان تجارت جهانی بود. چین پس از پایان مذاکرات دوجانبه‌اش با ایالات متحده در نوامبر ۱۹۹۹ و اتحادیه اروپا در ماه مه ۲۰۰۰، توانست به سرعت مذاکرات دوجانبه با سایر کشورها را به نتیجه برساند. حصول توافق میان چین و ایالات متحده از جمله عوامل بسیار مهم و مؤثر بر تسریع انعقاد توافق‌نامه‌های دوجانبه دیگر میان چین و سایر اعضای گروه کاری سازمان تجارت جهانی بود. در توافق میان این دو کشور، ایالات متحده در عوض امتیازات اعطایی چین در زمینه دسترسی به بازار، موافقت کرد اصل دولت کامله‌الوداد را تمام و کمال در مورد چین اعمال کند.

با به مرحله نهایی رسیدن مذاکرات دوجانبه دسترسی به بازار، توجه دولت چین و اعضای گروه کاری معطوف به نتیجه رساندن بخش‌های چندجانبه فرایند الحاق گردید. برای نهایی کردن توافقات مربوط به الحاق چین، با توجه به ناقص بودن یا به‌روز نبودن بیشتر اطلاعات ارائه‌شده توسط چین، گروه کاری ارائه اطلاعات به‌روز شده (قوانین، مقررات و سایر اقدامات سیاستی) درباره تمامی جنبه‌های کلیدی رژیم تجاری چین را از این کشور درخواست کرد. اطلاعات مزبور آشکارا برای ارزیابی هماهنگی رژیم تجاری چین با قواعد سازمان تجارت جهانی و به پایان رساندن مذاکرات مربوط به مقررات کلیدی پروتکل الحاق و گزارش گروه کاری ضرورت داشت که البته این دومین هدف امری بسیار دشوار بود و مهم‌ترین چالش‌های پیش رو عبارت بود از شناسایی موضوعات مشکل‌ساز

و توافق بر سر زمان‌بندی‌های مربوط به اجرای تعهدات دولت چین نسبت به هماهنگ‌سازی مقررات و رویه‌های خود با مقررات سازمان تجارت جهانی از جمله در خصوص تعیین دوره‌های گذار (Deepak Bhattasali, Shantong Li & , (William J. Martin, 2004, p. 11).

تجربه چین نشان می‌دهد که توالی مناسب اصلاحات ملی و گشایش سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به ساخت یک نظام ملی کسب‌وکار رقابت‌پذیر کمک کند. رویکرد چینی‌ها در مذاکرات الحاق به سازمان تجارت جهانی ثابت می‌کند که مذاکرات طولانی‌مدت و استفاده از دوره‌های انتقالی تعهدات الحاق، برای ایجاد نظام ملی کسب‌وکار که در سطح بین‌المللی نیز موجب رقابت‌پذیری باشد، می‌تواند رویکرد سازنده‌ای باشد. در واقع در خلال فرایند طولانی مذاکرات، چین توانست سیاست‌های تجاری، صنعتی و فناوری خود را به بهترین شکل ممکن هماهنگ سازد و در پروتکل نهایی الحاق، امتیازات مهمی را در زمینه کسب دوره‌های انتقالی بلندمدت به دست آورد. سیاست‌های اصلاحات اقتصادی چین و مذاکرات این کشور برای الحاق به سازمان تجارت جهانی کاملاً با یکدیگر هماهنگ بودند. چین حتی زمانی که به دنبال ادغام در نظام اقتصاد جهانی بود، سیاست‌های نظام‌مندی را برای تقویت تجارت داخلی خود اعمال کرد. دولت چین با دعوت از بنگاه‌های خارجی به کشور، برتری فناوری آن‌ها را نسبت به مؤسسات داخلی که بعداً مجبور به رقابت با یکدیگر می‌شدند، نشان می‌داد. همچنین امکان دسترسی بنگاه‌های تجاری دولتی به فناوری‌های خارجی و شیوه‌های مدیریتی آنان را فراهم کرد که این امر خود موجب افزایش کیفیت سرمایه انسانی در چین شد.

دولت چین در ادامه، با راه‌اندازی بنگاه‌های تجاری روستایی، میان بنگاه‌های محلی رقابت ایجاد کرد و با افزایش تولید، آن‌ها را به‌سوی صادرات به بازارهای خارجی هدایت و دسترسی آن‌ها به فناوری و بودجه را به ارتقای نظام‌مند مهارت‌ها منوط کرد. همچنین موجبات بهسازی فناوری را از طریق ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت کاملاً کنترل شده فراهم آورد. در مجموع نگاه منسجم و هماهنگ به ابعاد مختلف نظام ملی کسب‌وکار همچون افزایش

رقابت در سطح بنگاه، افزایش صادرات (سیاست تجاری)، اعطای مجوز استفاده از فناوری و دسترسی به آن (سیاست فناوری)، تعیین بخش‌های اولویت‌دار صنعتی و نظارت بر ورود سرمایه‌گذاری خارجی (سیاست صنعتی) و توسعه سرمایه انسانی (یارانه‌های آموزشی و ارتقای کیفیت نیروی کار) باعث شد پیش از آنکه بنگاه‌ها در معرض دشواری‌های تجارت آزاد بین‌المللی قرار گیرند، یکی پس از دیگری توانمندی‌های ضروری برای حضور و بقا در بازارهای رقابتی را کسب کنند (U. Srinivasa Rangan, 2004, p.35).

۳. مروری بر تعهدات چین در الحاق به سازمان تجارت جهانی

بررسی تعهدات چین در الحاق به سازمان تجارت جهانی از منظر پنج اصل بنیادین سازمان تجارت جهانی شامل رعایت اصل عدم تبعیض در برخورد با رقبا و شرکای تجاری، امکان دسترسی آسان‌تر و گسترده‌تر رقبا به بازار کالا و خدمات چین، تعهد چین به رعایت اصل شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد، جلوگیری از اختلال در تجارت و عدم تبعیض در تجارت دولتی قابل بررسی است (Deepak Bhattasali, Shantong Li & William J. Martin, 2004, p.21).

۳-۱. اصل عدم تبعیض در برخورد با رقبا و شرکای تجاری

عدم تبعیض از دو جنبه اصل دولت کامله‌الوداد و اصل رفتار ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. بر اساس اصل دولت کامله‌الوداد، اعضا نباید تبعیضی بین شرکای تجاری‌شان اعمال کنند. باید کالاها و خدمات و ارائه‌کنندگان خدمات مشمول رفتار یکسان باشند و اعضا بر اساس اصل رفتار ملی، در بازار داخلی خود از اعمال تبعیض بین محصولات، خدمات و اتباع خود و اتباع خارجی بپرهیزند.

پرسش مهم این است که شرایط الحاق چین به سازمان تجارت جهانی تا چه حد با اصل عدم تبعیض هماهنگ است. چین هم مانند تمام اعضای دیگر سازمان به رعایت تمامی موافقت‌نامه‌های این سازمان، از جمله مقررات مربوط به اعمال رفتار دولت کامله‌الوداد و رفتار ملی متعهد است. چین در پروتکل الحاق خود به منظور وارد کردن تدریجی این دو اصل در مقررات تجاری خود تعهداتی اضافی

را پذیرفته است. تعهد به حذف رویه‌های مربوط به قیمت‌گذاری دوگانه و حذف تدریجی بیشتر محدودیت‌های پیش روی فعالیت‌های وارداتی، صادراتی و تجاری بنگاه‌های خارجی در یک دوره سه‌ساله را می‌توان از مهم‌ترین این تعهدات دانست. به‌موجب این تعهدات تمامی بنگاه‌ها، حتی آن‌هایی که در چین سرمایه‌گذاری نکرده یا به ثبت نرسیده‌اند، مشمول رفتاری مشابه بنگاه‌های چین قرار خواهند گرفت.

۲-۳. دسترسی گسترده به بازار کالا و خدمات چین

سازمان تجارت جهانی با برپایی دوره‌های پی‌درپی مذاکرات چندجانبه تجاری به‌منظور کاهش مستمر موانع فرا راه تجارت، به دنبال باز کردن بازارها است. چین قبل از الحاق به سازمان تجارت جهانی تعرفه‌های خود را تا حد زیادی کاهش داده بود. در سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۹۳، نرخ‌های تعرفه ساده و موزون چین بیش از ۵۰ درصد کاهش یافت. نرخ تعرفه مؤثر (نسبت تعرفه‌ها به کل واردات) در نیمه اول سال ۱۹۹۹ به میزان ۴/۵ درصد بود و در آغاز سال ۲۰۰۱ بار دیگر کاهش یافت. این کاهش‌ها عمدتاً به قطعات و عناصر مورد استفاده در تولید صنعتی مربوط می‌شوند و تعرفه‌های متوسط موزون کالاهای اولیه به‌ویژه محصولات کشاورزی به‌ندرت تغییر یافته است. قبل از الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، کالاهای وارداتی شرکت‌های متکی به سرمایه خارجی عموماً از تعرفه معاف بودند؛ ولی اکثر فرآورده‌های صنعتی ساخته شده مشمول عوارض می‌شدند و این عوارض در برخی موارد بسیار زیاد بود.

گفتنی است که امروزه چین پس از حدود چهار دهه رشد باثبات و سریع، به‌عنوان دومین اقتصاد جهان و دولت تجاری پیشرو در جهان مطرح است. جریان تجارت، سرمایه و فناوری بین چین و سایر دولت‌ها و مشخصاً حجم تجارت چین از ۴۷۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۴,۳ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۷ افزایش یافته است؛ به‌طوری‌که امروزه چین قدرت خویش را در ابعاد تجاری در سراسر نظام بین‌الملل گسترانیده است (کهریزی، ۱۳۹۸، ص. ۲). در این زمینه، سیاست درهای باز چین در طول دهه‌های اخیر، به‌طور ویژه پس از دستیابی این کشور به سازمان

تجارت جهانی، به توسعه تجاری و رشد سریع اقتصادی این کشور کمک کرده است. رشد چشمگیر چین عامل محرکی برای اقتصاد جهانی بوده و ظهور چشمگیر آن، برداشت سایر کشورها و جایگاه‌ها از سیستم اقتصادی و تجاری جهانی را تغییر داده است (میرترابی و کشوریان آزاد، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۵).

با ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی، انتظار می‌رود که این کشور در حال صعود نقش بیشتری را در نهادهای بین‌المللی بر عهده بگیرد. در همین رابطه و در طول دو دهه اخیر به‌واقع شاهد بوده‌ایم که جمهوری خلق چین به تدریج صعود تجاری خود را به تأثیرات قابل توجهی در سازمان تجارت جهانی ترجمه می‌کند (Wolf, 2015, p.9)؛ به طوری که درک پیامدهای صعود جهانی چین، به موضوعی محوری برای محققان و سیاست‌گذاران در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل تبدیل شده است. گفتنی است که پکن با تکمیل قدرت اقتصادی روبه‌رشد خود، خواستار ایفای نقش بیشتر در حاکمیت اقتصاد جهانی شده است. در این راستا، ایالات متحده و جمهوری خلق چین نه تنها برای تقدم اقتصادی، بلکه در نهادهایی که قوانین اقتصاد جهانی را تعیین می‌کنند در رقابت قرار گرفته‌اند (Hopewell, 2019, p. 207).

در جدول ۱ اطلاعات مربوط به نرخ‌های تعرفه متوسط موزون در سال ۲۰۰۱ و نرخ‌های تعرفه تثبیت‌شده در پروتکل الحاق چین - قابل اجرا در یک دوره ۱۰ ساله از تاریخ الحاق - آمده است. در این جدول، محصولات بر اساس درصد تغییر تعرفه‌های تثبیت‌شده آن‌ها نسبت به ارقام مربوط به سال ۲۰۰۱ مرتب شده‌اند. کاهش نرخ تعرفه متوسط موزون چین از زمان الحاق تا پایان دوره انتقالی مذکور - از ۱۳/۷ تا ۵/۷ درصد - کاملاً قابل توجه بوده، زیرا بیش از کاهش‌های گذشته است. همچنین بر طبق این جدول، اقلامی که از حمایت بیشتری برخوردار بوده‌اند (گندم، برنج، الیاف گیاهی یا پنبه، شکر، روغن‌های نباتی، نوشابه‌ها، توتون و تنباکو، خودرو و لوازم‌پدکی آن، پوشاک و منسوجات)، کاهش تعرفه‌ای بیشتری داشته‌اند. علاوه بر این، چین تعهداتی هم برای حذف اقدامات غیر تعرفه‌ای سپرده است؛ به‌ویژه در رابطه با آن نوع محصولات کشاورزی که در حال حاضر مشمول اقدامات غیر تعرفه‌ای زیادی هستند.

بنابراین باید گفت با اینکه مدت کاهش‌های مرحله‌ای تا سال ۲۰۰۵ و پس‌از آن به طول می‌انجامد، بخش اعظم کاهش تعرفه‌ها و اقدامات غیر تعرفه‌ای باید در فاصله کوتاهی از زمان الحاق و در برخی موارد حتی در زمان الحاق انجام گیرد. طبق برنامه زمان‌بندی تعهدات، در دو سال اول پس از الحاق، تعرفه‌های اکثر محصولات کشاورزی و فراورده‌های صنعتی، به‌ویژه برخی از محصولات کشاورزی برخوردار از حمایت شدیدی همچون خودرو و فراورده‌های صنعتی کاربر کاهش می‌یابد. اقدامات غیر تعرفه‌ای مربوط به ۱۶۲ قلم کالا (از ۳۷۷ قلم) به محض الحاق و اقدامات غیر تعرفه‌ای مربوط به ۷۵ قلم دیگر در دو سال پس از الحاق و کلیه مجوزهای واردات نیز به محض الحاق حذف می‌شود (UNCTAD, 2002, p.145).

جدول ۱. میزان کاهش نرخ‌های تعرفه موزون کالاهای وارداتی اصلی چین پس از الحاق به سازمان تجارت

جهانی^{۳)}

گروه‌های کالایی	نرخ‌های تعرفه		کاهش تعرفه‌ها (به درصد) پس از		
	۲۰۰۱ (نرخ کامل‌الوداد)	نهایی ۲ (تثبیت‌شده)	یک سال	دو سال	سه سال
غلات	۹۱/۱	۳	۹۶/۷	۹۶/۷	۹۶/۷
دانه‌های روغنی	۹۶/۹	۳/۹	۹۶	۹۶	۹۶
نوشابه و فراورده‌های توتون و تنباکو	۵۷/۸	۱۰/۴	۶۵/۷	۷۴/۲	۸۱/۹
تجهیزات الکترونیک	۱۰/۶	۲/۳	۷۰/۹	۷۶/۹	۷۸/۳
روغن‌ها و چربی‌های نباتی	۳۹/۳	۱۰/۲	۵۰/۲	۸۵/۳	۷۴
فراورده‌های چوبی	۱۰	۳/۴	۴۲/۷	۵۴/۱	۶۶
نشربات و محصولات کاغذی	۹/۳	۳/۳	۳۹/۳	۵۱/۷	۶۴/۲
محصولات کشاورزی	۲۱/۷	۸/۴	۳۲/۵	۴۶/۸	۶۱/۲
منسوجات	۲۰/۵	۸/۷	۲۲/۹	۳۶/۴	۵۷/۴
الیاف گیاهی	۸۴/۳	۳۷/۷	۳۹/۴	۴۷/۴	۵۵/۳
خودرو و لوازم‌پدکی آن	۳۱/۳	۱۴/۱	۳۱	۳۹/۴	۵۵
فراورده‌های لبنی	۱۹	۸/۹	۲۹/۲	۳۸	۵۳/۱
سبزی‌ها، میوه و خشکبار	۲۵/۹	۱۲/۶	۲۹/۱	۳۹/۹	۵۱/۱
ماشین‌آلات و تجهیزات	۱۳/۴	۶/۶	۳۷	۴۵/۷	۵۰/۷
فراورده‌های گوشتی	۱۸/۶	۹/۹	۲۸	۳۷/۳	۴۶/۷
شکر	۷۷/۹	۴۳/۸	۲۷/۳	۳۵/۵	۴۳/۸
برنج	۱۱۴	۶۵	۴۳	۴۳	۴۳
شلتوک	۱۱۴	۶۵	۴۳	۴۳	۴۳
گندم	۱۱۴	۶۵	۳۷/۷	۴۰/۴	۴۳
فلزات آهنی	۹/۱	۵/۲	۳۷/۵	۴۰/۵	۴۲/۸
مواد شیمیایی، لاستیک، محصولات پلاستیکی	۱۴/۱	۸/۱	۲۲/۲	۲۷/۶	۳۸
محصولات جنگلی	۲/۳	۱/۳	۴۲/۵	۴۲/۵	۴۲/۵

گروه‌های کالایی	نرخ‌های تعرفه		کاهش تعرفه‌ها (به درصد) پس از			
	۲۰۰۱ (نرخ کامله‌الوداد)	نهایی ۲ (تثبیت‌شده)	یک سال	دو سال	سه سال	سال آخر ۲
مواد غذایی	۱۶/۸	۹/۸	۲۵/۷	۳۴/۵	۴۱/۶	۴۱/۷
محصولات شیلات	۱۴/۲	۸/۵	۲۱	۳۱	۴۰/۲	۴۰/۲
فلزات	۷	۴/۲	۳۵/۷	۳۷/۹	۳۹/۵	۳۹/۵
پوشاک	۲۳/۸	۱۴/۹	۱۰/۸	۲۰/۴	۳۷/۳	۳۷/۳
محصولات چرمی	۱۱/۶	۸	۲۶/۷	۲۸/۹	۳۱/۴	۳۱/۴
گوشت	۱۴/۱	۹/۹	۱۷/۴	۲۳/۶	۲۹/۹	۲۹/۹
تجهیزات حمل‌ونقل	۵	۳/۶	۲۱/۲	۲۵	۲۸/۴	۲۸/۴
محصولات فلزی	۹/۷	۷/۴	۱۷/۸	۲۱/۲	۲۳/۶	۲۳/۶
مواد معدنی	۱۴/۴	۱۱/۴	۱۵/۸	۱۸/۲	۲۰/۶	۲۰/۶
نفت، زغال‌سنگ	۸/۴	۶/۷	۱۹/۸	۱۹/۸	۱۹/۸	۱۹/۸
فراورده‌های صنعتی	۱۹/۵	۱۵/۸	۷/۲	۱۱/۹	۱۹	۱۹
محصولات دامی	۹/۴	۸	۹/۳	۱۱/۹	۱۴/۵	۱۴/۵
نرخ متوسط اقلام بالا	۱۴/۶	۶/۱	۴۰/۵	۴۷/۲	۵۴/۳	۵۸/۳
نرخ متوسط کلیه کالاها	۱۳/۷	۵/۷	۴۱/۶	۴۸	۵۴/۹	۵۸/۸

بنابراین چین برای الحاق به سازمان تجارت جهانی، به‌طور چشمگیری موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای خود را در گستره و عمق کاهش داد و در پروتکل الحاق متعهد شد که در یک دوره ۱۰ ساله از تاریخ الحاق نرخ تعرفه متوسط موزون خود را تا سطح قابل‌توجهی (از ۱۳/۷ تا ۵/۷ درصد) کاهش دهد. علاوه بر این، تعهداتی را هم برای حذف اقدامات غیرتعرفه‌ای به‌ویژه در مورد محصولات کشاورزی پذیرفت. چین همچنین تمامی تعرفه‌های وارداتی خود را در حوزه تجارت کالا تثبیت کرده است.

در حوزه خدمات، تعهدات اولیه چین گسترده‌تر از تعهداتی است که بیشتر کشورهای توسعه‌یافته در جریان مذاکرات دور اروگوئه پذیرفته‌اند. مهم‌ترین تعهدات چین در حوزه خدمات به بخش‌های ارتباطات راه دور، بانکداری و بیمه مربوط می‌شود. چین برای باز کردن مستمر و قابل‌توجه بخش‌های خدماتش به روی رقابت خارجی آمادگی کامل دارد؛ به‌طوری‌که پذیرفته است در بسیاری از حوزه‌های خدمات، سرمایه‌گذاری خارجی را به‌طور فزاینده‌ای آزاد سازد. برای مثال، مالکیت خارجی در بخش ارتباطات راه دور در زمان الحاق تا ۲۵ درصد در برخی شهرها مجاز شده است و این رقم در تعداد بیشتری از شهرها در طول سه

سال به ۴۹ در صد افزایش خواهد یافت و پس از گذشت ۵ سال از زمان الحاق، تمام محدودیت‌های جغرافیایی از بین خواهد رفت.

چین تعهدات مشابهی نیز در مورد آزادسازی بانکداری و بیمه سپرده است؛ به گونه‌ای که بانک‌های خارجی دو سال پس از الحاق چین به سازمان تجارت جهانی مجاز به انجام معاملات داخلی به یوان (پول ملی چین)، با اشخاص حقوقی شده و تنها پس از ۵ سال اجازه مشابهی را در مورد اشخاص حقیقی پیدا می‌کنند. بر اساس توافقات به عمل آمده، بانک‌های خارجی می‌توانستند ۵ تا ۱۰ سال پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی، در سپرده‌های ارزی ۱۵ درصد بازار، در سپرده‌های ملی (به پول ملی) ۱۰ درصد، در وام‌های ارزی ۲۰ تا ۳۰ درصد و در وام‌های به پول ملی ۱۵ درصد بازار را تصاحب کنند. همچنین بانک‌های خارجی با جذب استعدادهای طرف‌های چینی خود می‌توانند ۲۰ درصد از کارمندان با مدارج دانشگاهی بانک‌های داخلی را جذب کنند.

در زمینه اوراق بهادار، شرکت‌های خارجی سه سال پس از الحاق، مجاز به داشتن ۴۹ درصد از سهام سرمایه‌گذاری‌های مشترک بودند. چین در زمینه صنعت بیمه، مدیریت کنترل مؤثر سرمایه‌گذاری‌های مشترک در زمینه بیمه عمر را مجاز کرد؛ البته سهم طرف خارجی محدود به ۵۰ درصد بود. در زمینه خدمات، با درخواست اتحادیه اروپا، در سرمایه‌گذاری‌های مشترک آزادی طرف خارجی در انتخاب از بین طرف‌های چینی موجود، به رسمیت شناخته شد و موانع موجود در این زمینه از بین رفت. علاوه بر این چین باید محدودیت‌های جغرافیایی را ظرف سه سال برطرف و طی پنج سال به بیمه‌گران خارجی برای فعالیت در زمینه‌های بیمه گروهی، درمانی و بازنشستگی مجوز لازم را اعطا کند و در طول دو سال حق تملک کامل شرکت‌های فرعی غیر بیمه عمر را به خارجی‌ان بدهد.^۴

۳-۳. شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد

شفافیت و قابلیت پیش‌بینی از کلیدی‌ترین عناصر نظام تجارت چندجانبه‌اند. اصل شفافیت اولیه که در «ماده ۱۰» گات مقرر شده است، از دولت‌های عضو می‌خواهد تمامی قوانین و مقررات مرتبط با تجارت و تصمیمات قضایی و اداری عمومی را

منتشر سازند؛ تمامی این اقدامات را به شکلی یکسان، بی‌طرفانه و معقول اعمال و امکان بررسی قضایی و در صورت لزوم جبران و اصلاح اقدامات اجرایی را در قوانین خود پیش‌بینی کنند. رعایت اصل قابلیت پیش‌بینی نیز از طریق برقراری نوعی سلسله‌مراتب قانونی بوده که تعرفه را بر اقدامات غیرتعرفه‌ای همچون سهمیه‌ها و مجوزهایی با شفافیت و ثبات کمتر، اولویت می‌بخشد و از طریق الزام اعضا به تثبیت تعهداتشان در مورد باز کردن بازار کالا و خدمات خود، تضمین شده است. در حوزه تجارت کالا، این تثبیت تعهدات با تعیین سقفی برای نرخ تعرفه‌های گمرکی انجام می‌گیرد.

چین متعهد شده که به‌طور کلی الزامات سازمان تجارت جهانی در خصوص شفافیت، از جمله اعمال یکسان مقررات تجاری و پیش‌بینی امکان بررسی قضایی مستقل را رعایت کند و در هر یک از این حوزه‌ها نیز تعهداتی اضافی را پذیرفته است. علی‌رغم احتمال یکسان نبودن رفتار دولت در بخش‌های مختلف سرزمین چین و همچنین احتمال عدم استقلال قوه قضائیه چین، شکی نیست که دولت آن به ادامه اصلاحات به‌منظور اجرای این الزامات به‌طور یکسان و بی‌طرفانه متعهد است. به‌علاوه همان‌طور که پیشتر گفته شد، نحوه اجرای تعهدات چین، در قالب یک سازوکار موقت بررسی ویژه، در دوره ده سال اول عضویت این کشور زیر نظارت قرار خواهد داشت.

با عضویت چین در سازمان تجارت جهانی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان این کشور قادر خواهند بود با اطمینان بیشتری به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی تجاری بلندمدت در مورد توسعه فعالیت‌هایشان بپردازند. هرچه اقتصاد چین بازتر شود، امنیت حقوقی در نظام تجاری این کشور بیشتر خواهد شد. اصلاحاتی که دولت چین تعهد کرده است برای باز کردن و رفع تبعیض در بازار به عمل آورد، نه فقط سرمایه‌گذاران خارجی، صادرکنندگان و واردکنندگان، بلکه تمامی اتباع چین را منتفع خواهد ساخت.

نظام سازمان تجارت جهانی از طریق اعمال مقرراتی در مورد یارانه‌ها و قیمت‌شکنی که به اعضا اجازه می‌دهد با برقراری عوارض جبرانی و ضد قیمت‌شکنی به تجارت غیرمنصفانه پاسخ دهند، به دنبال جلوگیری از اختلال در تجارت است. مقررات این سازمان همچنین به اعضا اجازه می‌دهد در شرایطی خاص و با رعایت قواعدی سخت‌گیرانه، در صورت رویارویی با افزایش ناگهانی واردات، به نحوی که صنعتی در داخل آسیب جدی ببیند، اقدامات حفاظتی موقتی اتخاذ کنند.

بخش‌های مواجه با رقابت کالاهای وارداتی نه تنها در اثر کاهش موانع تجاری، بلکه در اثر حذف یا کاهش یارانه‌ها- که شاید مهم‌تر نیز باشد- تحت فشار قرار خواهند گرفت. طبق «ماده ۱۰» پروتکل الحاق چین، این کشور کلیه یارانه‌های مشمول «ماده ۳» موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی سازمان تجارت جهانی، یعنی یارانه‌های «خاص» مربوط به عملکرد صادراتی یا یارانه‌های مربوط به حمایت از محصولات داخلی در مقابل محصولات وارداتی را حذف خواهد کرد. بر این اساس، کلیه یارانه‌های اعطاشده به شرکت‌های دولتی بر اساس عملکرد صادراتی، یارانه‌های «خاص» تلقی خواهند شد، به شرط آنکه این شرکت‌ها «دریافت‌کننده غالب این یارانه‌ها» بوده یا «میزان معتنابهی از این یارانه‌ها» را دریافت کنند. این یارانه‌ها به این دلیل یارانه‌های «خاص» تلقی می‌شوند که شرکت‌های خصوصی یارانه‌های مشابهی دریافت نمی‌کنند.

درباره محصولات کشاورزی، حمایت داخلی تا ۸/۵ درصد از ارزش تولید مجاز، ولی تمام یارانه‌های دیگر به‌ویژه یارانه‌های مشروط به عملکرد صادراتی ممنوع است. طبق ماده ۱۲ پروتکل الحاق چین، این کشور «هیچ یارانه صادراتی را برای محصولات کشاورزی حفظ یا وضع نخواهد کرد». چین اجرای ماده ۵ موافقت‌نامه اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت را هم پذیرفته و متعهد شده است که شروط موازنه ارزی و محتوای داخلی و همچنین شروط مربوط به صادرات یا عملکرد را حذف کند (UNCTAD, 2002, p.146). این کشور همچنین متعهد شد در آینده به موافقت‌نامه تدارکات دولتی بپیوندد که هدفش تضمین

رعایت قواعد رقابت منصفانه در خریدهای کارگزاری‌های دولتی است.^{۴)}

۳-۵. تجارت دولتی و عدم تبعیض

چین متعهد شد تا سه سال پس از الحاق، با قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی درباره شرکت‌های تجاری دولتی (ماده ۱۷ گات) و درباره برخورد یکسان با شرکت‌ها و اتباع داخلی و خارجی (ماده ۳ گات ۱۹۹۴) منطبق شود. این قواعد در مجموع به این معنا است که به‌جز استثنائات معدودی، کلیه معاملات شرکت‌های تجاری دولتی و شرکت‌های تحت مالکیت دولت باید بر اساس شرایط تجاری انجام گیرند: هیچ شرایط ممتازی برای خرید یا فروش نهاده‌ها و ستانده‌ها و قیمت‌گذاری یا تهیه آن‌ها (از جمله برای معاملات وارداتی و صادراتی) تعیین نخواهد شد؛ با این حال، در رابطه با واردات، تجارت دولتی در پنج گروه از محصولات کشاورزی (غلات، روغن‌های نباتی، شکر، توتون و تنباکو، پنبه)، نفت خام و فراورده‌های نفتی و کودهای شیمیایی همچنان مجاز خواهد بود. به همین نحو، صادرات تعدادی از محصولات کشاورزی (پنبه، چای، برنج، ذرت و سویا)، مواد معدنی و فراورده‌های صنعتی کاربر (از جمله ابریشم تا سال ۲۰۰۵، نخ پنبه‌ای و برخی منسوجات) از سوی شرکت‌های تجاری دولتی می‌تواند ادامه یابد.

چین به‌طور فزاینده‌ای حق تجارت را برای کلیه شرکت‌ها از جمله شرکت‌های خارجی به رسمیت خواهد شناخت و در سه سال رعایت «رفتار ملی» را به‌طور کامل خواهد پذیرفت (به‌جز در مورد اقلام پیش‌گفته که تجارت آن‌ها به دست شرکت‌های تجاری دولتی می‌تواند ادامه یابد). به‌عبارت‌دیگر، طبق «ماده ۵» پروتکل الحاق چین، با کلیه شرکت‌ها و اتباع خارجی مثل شرکت‌ها و اتباع داخلی رفتار خواهد شد. طبق این ماده، چین موظف است در طول سه سال از این رویه دست بردارد که فقط تعداد محدودی از شرکت‌ها از حق تجارت در یک منطقه جغرافیایی خاص برخوردارند. در حال حاضر تجارت تعدادی از محصولات کشاورزی (لاستیک طبیعی، الوار، تخته‌سه‌لایی و پشم) و محصولات فولادی و آکریلیک به این شکل است (UNCTAD, p.146).

۴. ایجاد نهاد مشاوره برای عضویت در سازمان تجارت جهانی

شانگهای همواره به عنوان خط مقدم اصلاحات اقتصادی چین و گشایش آن به روی جهان خارج عمل کرده و نقش محوری در سازگار کردن این کشور با قواعد جهانی داشته است. کارشناسان مؤسسه تجارت خارجی شانگهای نخستین بار در اوایل سال ۱۹۸۵ پیشنهاد از سرگیری عضویت چین به گات را به دولت مرکزی دادند و متعاقب آن با استفاده از تخصص پژوهشگران دانشگاه شانگهای و دیگر دانشگاه‌های چین «مرکز پژوهشی شانگهای در خصوص گات» تأسیس شد.

زمانی که در سال ۲۰۰۰ فرایند الحاق چین شتاب گرفت، مقامات عالی‌رتبه چین در نشست سالانه عملکرد اقتصاد مرکزی چین بر آماده سازی الحاق چین به این سازمان تأکید ورزیدند. بدین منظور در شانگهای مرکز تحقیقات توسعه دولت خلق محلی، گروه برنامه‌ریزی، گروه اقتصادی و گروه تجارت و روابط خارجی به تدوین «برنامه عمل شانگهای» برای الحاق چین به سازمان تجارت جهانی اقدام کردند. یکی از ابتکارات این برنامه عمل، تشکیل مؤسسه مشورتی و حرفه‌ای در خصوص سازمان تجارت جهانی در شانگهای بود که در اکتبر ۲۰۰۰ به تأسیس «مرکز مشورتی شانگهای در امور سازمان تجارت جهانی» انجامید و دارای بخش‌های مختلف، از جمله خدمات مشورتی، اطلاع‌رسانی، آموزشی، پایش و هشدار سریع در خصوص اقدامات دفاعی تجاری و بخش پژوهشی بود. مرکز مشورتی شانگهای در امور سازمان تجارت جهانی که تحت حمایت مالی دولت خلق محلی شانگهای قرار دارد یک مؤسسه مشورتی حرفه‌ای و غیردولتی محسوب می‌شود که در صدد ارائه توصیه‌های حقوقی و سیاسی در خصوص سازمان تجارت جهانی است و این مرکز در بدو تأسیس خود نقش عمده‌ای در ایفای تعهدات الحاق به سازمان تجارت جهانی ایفا کرده است.

هیئت‌امنا بالاترین رکن تصمیم‌گیری مرکز، از نمایندگان سازمان‌های دولتی و اتحادیه‌های صنعتی مختلف مرتبط با موضوعات سازمان تجارت جهانی در شانگهای تشکیل شده است. هدف مرکز به روشنی اتخاذ اقدامات فعال برای مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌هایی که شانگهای پس از الحاق به سازمان تجارت

جهانی با آن روبه‌رو خواهد بود اعلام گردیده است (مرادپور و گونگ بایهوا، ۱۳۸۷، ص ۲۳ و ۲۲).

۵. عضویت در سازمان تجارت جهانی و چشم‌انداز عملکرد اقتصادی چین

فرایند اصلاحات اقتصادی در چین از اواسط دهه ۱۹۸۰ (قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی) تحول جدی یافت که این تحول در عملکرد تجاری این کشور قابل مشاهده است؛ به‌عنوان مثال در اوایل دهه ۱۹۹۰ دولت چین با تصویب قانون ورشکستگی و سایر قوانین مربوط به آن، صنایع دولتی را اساساً مسئول سود و زیان خود کرد. این کشور همچنین حداقل از دهه ۱۹۹۰ کاهش جدی یارانه‌های دولتی را آغاز و تشکیل بنگاه‌های خصوصی را در بسیاری از بخش‌ها تشویق نمود. همچنین این کشور به‌ویژه از اواسط دهه ۱۹۹۰، به‌عنوان یکی از اعضای صندوق بین‌المللی پول، کارکرد بازار ارز خود را منطقی و آزاد ساخت.

اکنون چین از نظر واردات و صادرات به بازیگری مهم در تجارت بین‌الملل تبدیل شده است. حرکت از روش‌های قدیمی‌تر برنامه‌ریزی واردات به روش صدور مجوزهای وارداتی و سپس استفاده از تعرفه‌های گمرکی، موجب شده است سازوکار بازار و قیمت به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در روابط آتی چین با بقیه دنیا از جایگاه خاصی برخوردار شود. در واقع الحاق به سازمان تجارت جهانی به‌عنوان بخشی از فرایند اصلاحات اقتصادی چین، امکانی فراهم کرد تا منافع حاصل از فرایند اصلاحات تجاری انجام‌شده در دولت چین، از دو دهه قبل از الحاق تثبیت شود و همین مبنای ادامه اصلاحات آتی قرار گیرد. با جای گرفتن اصلاحات چین در چارچوب و وسیع‌تر آزاد سازی تجاری در قبال تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی، تولیدکنندگان و صادرکنندگان چینی امکان یافتند که با استفاده از اصل رفتار متقابل در دسترس به بازار، عواید حاصل از اصلاحات تجاری در چین را افزایش دهند و به دولت چین در مقابله با فشارهای داخلی برای توقف فرایند اصلاحات کمک کنند. الحاق به سازمان تجارت جهانی، دسترسی به بازارهای امن قابل‌پیش‌بینی و غیرتبعیض‌آمیز حدود ۱۶۰ شریک تجاری را برای جمعیت ۱/۳ میلیارد نفری چین فراهم کرد. این امر همچنین

موجب دسترسی این جمعیت بزرگ به کالاها و خدمات تمامی دیگر اعضای سازمان در شرایطی امن و غیر تبعیض آمیز شد.

از سوی دیگر، عضویت در این سازمان برای نخستین بار این کشور را در سطح بین‌المللی ملزم به اعمال اصلاحاتی در نظام حقوقی و سیاستی خود در جهت تضمین شفافیت و امنیت بیشتر کرد. این کشور در ۲۰ سال گذشته اصلاحات متعددی انجام داده بود، اما متعهد شدن به رعایت قواعد معاهدات بین‌المللی و حاکمیت قانون در تجارت و اصلاحات سیاستی داخلی، سرعت و تأثیر این فرایند را به شدت افزایش داد. همچنین الحاق به سازمان تجارت جهانی به چین امکان داد تا روابط شکننده و پرخطر متعدد دوجانبه‌ای را که این کشور پیش از الحاق برای شکل‌دهی به تجارتش با شرکای تجاری مهم خود به کار می‌گرفت به یک رابطه چندجانبه تجاری با بقیه دنیا تبدیل کند.

درواقع رشد و توسعه چین هنگامی شروع شد که اقتصاد خود را به اقتصاد سایر نقاط جهان متصل کرد، یک نظام اقتصادی مبتنی بر بازار ایجاد نمود و بهترین شیوه‌های جهانی جذب شرکای خارجی را به کار گرفت. چین هم‌اکنون دومین اقتصاد جهان از نظر جذب و ارسال سرمایه خارجی محسوب می‌شود. چین که در سال ۲۰۱۴ از نظر برابری قدرت خرید به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شد، از جنبه مقیاس (و نه ادغام در اقتصاد جهانی)، یک قدرت جهانی محسوب می‌شود. این کشور در سال ۲۰۱۳ به بزرگ‌ترین کشور در مبادله کالا تبدیل شد. چین در ادغام با اقتصاد جهانی با دستیابی به مقیاس واقعی جهانی به‌عنوان یک کشور تجارت‌پیشه پیشرفت کرده است؛ اگرچه هنوز تا ادغام بیشتر در اقتصاد جهان راه طولانی در پیش دارد (جدول ۲) (McKinseyf, 2019, p.1).

جدول ۲. میزان ادغام چین در اقتصاد جهانی (منبع: پژوهشگر)

موضوع	میزان حضور فعلی چین در جهان	فاصله چین تا ادغام در اقتصاد جهانی
تجارت	- بزرگ‌ترین اقتصاد تجارت کالایی جهان از سال ۲۰۱۳ - در سال ۲۰۱۷ دارای ۱۱،۴ درصد تجارت جهانی کالا	- تنها دارای ۶،۴ درصد از تجارت جهانی خدمات
بنگاه	- دارای ۱۱۱ بنگاه معرفی‌شده از سوی مجله فورچون ۵۰۰ (آمریکا ۱۲۶ بنگاه)	- صرفاً ۱۸ درصد این بنگاه‌ها درآمد خود را از خارج از مرزهای چین به دست می‌آورند
سرمایه	- از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ دومین مبدأ و مقصد سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی جهان - دارای بزرگ‌ترین نظام بانکی، دومین بازار سهام و سومین بازار اوراق قرضه جهان	- جریان‌های بین‌المللی سرمایه (۳-۴ برابر کوچک‌تر از آمریکا) و مشارکت خارجی محدود است (مالکیت خارجی در بازارهای بانکی، سهام و اوراق قرضه کمتر از ۶٪ است).
جابه‌جایی مردم	- بزرگ‌ترین جمعیت دانشجویان خارج از کشور (۱۷٪) دانشجویان بین‌المللی دانشگاهی در سال (۲۰۱۷) و جهانگرد (گردشگران چینی ۱۵۰ میلیون سفر خارج از کشور در سال ۲۰۱۸ انجام داده‌اند که بیشترین تعداد در مقیاس جهانی محسوب می‌شود)	- جریان جابه‌جایی چینی‌ها هنوز از نظر جغرافیایی متمرکز است (۶۰٪ دانشجویان خارج از کشور چین به ایالات متحده، استرالیا و انگلستان می‌روند). - تنها ۰/۲ درصد از کل مهاجران جهان به چین سرازیر می‌شوند.
فناوری	- دومین رتبه جهانی سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه پس از آمریکا (۲۹۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸)	- وابستگی شدید به فناوری وارداتی (بیش از نیمی از قراردادهای واردات فناوری فقط از سه کشور آمریکا، ژاپن و آلمان انجام می‌شود) و مالکیت فکری (واردات مالکیت فکری چین شش برابر بیشتر از صادرات).
داده (دیتا)	- دارای بزرگ‌ترین کاربران اینترنتی (بیش از ۸۰۰ میلیون نفر) و تولید داده در جهان	- جریان جابه‌جایی داده در سطح بین‌المللی بسیار محدود است (رتبه هشتم جهان و ۲۰ درصد جریان جابه‌جایی آمریکا).
آثار زیست‌محیطی	- تحقق ۴۵ درصد سرمایه‌گذاری در صنایع تجدیدپذیر جهان	- بزرگ‌ترین منبع تولید گازهای گلخانه‌ای و کربنی جهان (۲۸ درصد)
فرهنگ	- سرمایه‌گذاری عظیم در توسعه حضور فرهنگی جهانی (۱۲٪ از ۵۰ فیلم برتر جهان که در سال ۲۰۱۷ در مقابل ۲٪ در سال ۲۰۱۰، در چین به نمایش درآمده است)	- دسترسی فرهنگی هنوز نسبتاً محدود است (صادرات سریال‌های تلویزیونی چین یک‌سوم کره شمالی است).

مرور سیاست صنعتی در برنامه‌های توسعه چین جالب توجه است؛ زیرا تغییر رویکرد این کشور را پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی در اتخاذ سیاست صنعتی کشور آشکار می‌کند. در سال ۱۹۹۴ شورای دولتی در سند «نمای کلی سیاست صنعتی ملی در دهه ۱۹۹۰» اعلام کرد برای توسعه صنایع محوری از سیاست‌های صنعتی استفاده خواهد کرد. در برنامه پنج ساله دهم (۲۰۰۱-۲۰۰۵) هم‌زمان با الحاق به سازمان تجارت جهانی، سیاست‌های صنعتی در قالب «مداخله گزینشی دولت» به کار گرفته شد و در شانزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست در سال ۲۰۰۲ مفهوم «پیگیری مسیر جدید صنعتی شدن» با تأکید بر توسعه قابلیت‌های علم و فناوری سازگار با محیط زیست و صرفه‌جو در منابع مطرح شد.

همچنین در سال ۲۰۱۳ «برنامه تقویت صنایع تا سال ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰» با محوریت توجه به نوآوری به جای حمایت از صنایع خاص و با هدف تبدیل چین به تولیدکننده تراز اول جهان ارائه گشت. تبدیل تولید کاربر به سرمایه‌بر، کاهش سهم شرکت‌های دولتی در صنعت و توسعه اقتصادی مبتنی بر سرمایه‌گذاری و صادرات از مشخصه‌های تحول اقتصاد چین در سه دهه گذشته این کشور است و دولت با مداخله مستقیم و ایجاد محیط کسب‌وکار توانمند ساز، نقشی مثبت در تغییرات ساختاری و رشد بهره‌وری و اشتغال ایفا کرده است.

نمونه‌هایی از اقدامات دولت چین در سه دهه گذشته عبارت‌اند از:

- تجدید ساختار شرکت‌ها و بانک‌های دولتی؛
- تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های انبوه در زیرساخت‌ها توسط بنگاه‌های دولتی در صنایع بالادستی و شرکت‌های فراملیتی در صنایع با فناوری بالا؛
- تجاری‌سازی بانک‌های دولتی؛
- ایجاد محدودیت شدید دولتی برای فعالیت بانک‌ها در حوزه‌های سوداگرانه؛

➤ وام‌دهی بانک‌ها به فعالیت‌های مولد صنعتی؛

➤ توسعه هدفمند صنایع خاص.

صنایع تولید خودرو، قطار سریع‌السير و نیمه‌هادی پیشگامان اجرای سیاست صنعتی در چین محسوب می‌شوند. راهبردهای اصلی سیاست صنعتی خودروسازی، حمایت از بازار در ازای انتقال فناوری، تأسیس شش شرکت مشترک با خودروسازان معروف جهان و جلوگیری از ورود سایر خودروسازان به بازار بود. کمبود تقاضا و منابع مالی و فقدان انگیزه برای سرمایه‌گذاران خارجی سبب شد چینی‌ها با تجدیدنظر در سیاست صنعتی خودروسازی در سال ۱۹۹۴، به تدریج با پیدایش سازندگان خودروی بومی به خودروسازان دیگر اجازه ورود به بازار را بدهند. آن‌ها همچنین با سرمایه‌گذاری مشترک، تولید داخلی را جایگزین واردات کردند و سرانجام موفق به صادرات خودرو شدند.

تمرکز سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کلیدی برای توسعه فناورانه، همکاری

بنگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته با شرکت‌های فراملیتی در اشکال مختلف (از جمله سرمایه‌گذاری‌های مشترک) و سرانجام حفاظت از رقابت وارداتی راهبردهای اصلی صنعت نیمه‌هادی‌ها هستند. در تولید قطار سریع‌السیر نیز راهبردهای اصلی شامل توسعه فناوری راه‌آهن سریع‌السیر با هدایت بنگاه‌های دولتی، واردات فناوری در سال ۲۰۰۴ با هدف ساخت قطارهای ۲۰۰ و ۲۵۰ کیلومتر در ساعت و شبیه‌سازی فناوری‌ها و توسعه آن به کار گرفته شد که نتایج آن ساخت قطارهایی با سرعت ۲۵۰ تا ۳۵۰ کیلومتر در ساعت در سال ۲۰۱۰ و راه‌اندازی بزرگ‌ترین شبکه راه‌آهن سریع‌السیر جهان در سال ۲۰۱۱ بود.

در مجموع مشخصه‌های سیاست توسعه‌ای اتخاذشده چین در رقابت با شرکت‌های فراملیتی تراز اول جهان، سیاست صنعتی دولت مبتنی بر پیش‌بینی تقاضای بالا، اختصاص بودجه کافی از طریق تأمین مالی تحت کنترل دولت، استفاده از ظرفیت بنگاه‌های دولتی انحصاری و انتقال فناوری و مدیریت امور کسب‌وکار است. مدل توسعه اجتماعی-اقتصادی چین را می‌توان مبتنی بر اتخاذ سیاست «ساخت جامعه هماهنگ» برای جلوگیری از شکاف‌های اجتماعی عنوان کرد. در این سیاست مواردی همچون تأکید بر تقویت رشد اقتصادی مبتنی بر جبران خدمات کارگری به جای رشد مبتنی بر نیروی کار ارزان، افزایش حمایت از حقوق کارگران، اجرای قراردادهای مناسب کار، اجرای قوانین حداقل دستمزد و ایجاد اتحادیه‌های کارگری مدنظر قرار گرفته است (گروه مترجمان، ۱۳۹۴، ص ۳۵۰).

۶. درس‌هایی برای ایران

در صورت به سرانجام رسیدن مذاکرات مجدد برجام و رفع تدریجی محدودیت‌های بین‌المللی، یکی از موضوعات بسیار مهم موردنظر سیاست‌گذاران اقتصادی در دوره پسا تحریم نحوه تعامل با جهان و چگونگی بهره‌برداری از منافع این تعامل در جهت بالندگی اقتصاد کشور خواهد بود. به نظر می‌رسد لازمه تعامل سازنده و سودمند، اصلاحات اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای لازم جهت فراهم نمودن زمینه همکاری‌های مشترک اقتصادی با طرف‌های خارجی

است. در این زمینه با نگاه آینده‌نگر، عضویت در سازمان تجارت جهانی به‌عنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین نهاد بین‌المللی تأثیرگذار در روابط اقتصاد خارجی کشورها می‌تواند در مرکز توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد؛ زیرا علاوه بر منافی که در ادبیات اقتصادی برای عضویت در این سازمان بدان اشاره می‌شود، به دلیل ویژگی بلندمدت بودن فرایند مذاکرات دوجانبه و چندجانبه الحاق، اصلاحات داخلی در اقتصاد کشور متقاضی عضویت به نحو مؤثری تسریع می‌گردد. به‌بیان‌دیگر لزوم اتکای اقتصاد کشور به یک چارچوب بین‌المللی، اجازه خواهد داد سنگ بنای تغییرات اساسی در عرصه داخلی نهاده شود. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که ورود به سازمان تجارت جهانی صرفاً کاهش یا حذف تعرفه‌های واردات تأثیرگذار در صنایع خاص نیست، بلکه تغییرات عمیق و گسترده‌تری در اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت که بسیاری از آن‌ها قابل پیش‌بینی نیست و باعث ایجاد نگرانی‌هایی خواهد شد. همچنین انجام شتاب‌زده مذاکرات الحاق به این سازمان و پذیرش بدون مطالعه تعهدات می‌تواند توان رقابت بین‌المللی صنعت کشور را در بلندمدت دچار چالش‌های جدی نماید.

تجربه کشورهای موفق عضو سازمان تجارت جهانی نشان می‌دهد که شرط لازم برای ورود به این سازمان و بهره‌گیری از منافع و مزایای عضویت، تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور متقاضی عضویت، قبل و در حین الحاق به سازمان از طریق انجام اصلاحات داخلی است. از آنجا که عضویت در سازمان تجارت جهانی باید ابزاری برای نیل به هدف «افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی» باشد، ضرورت دارد برای کنترل آثار الحاق به سازمان تجارت جهانی بر رقابت‌پذیری بین‌المللی کشور، در سطح ملی به‌طور منسجم و هماهنگ نظام کسب‌وکار رقابت‌پذیر ایجاد شود. این مهم چیزی نیست جز یک رویکرد سیاستی منسجم و هماهنگ در طراحی سیاست‌های صنعتی، تجاری و فناوری در جهت رقابت‌پذیر نمودن صنایع که البته رویکردی زمان‌بر است و در کنار آن باید به مجموعه عوامل مؤثر بر توسعه مدیریت بنگاه‌ها، توسعه حقیقی سرمایه انسانی و فراهم ساختن محیط قانونی مناسب از جمله در زمینه مدیریت نیروی کار توجه کرد.

تجربه اصلاحات اقتصادی چین در خلال مذاکرات عضویت در سازمان تجارت جهانی که با دیدگاهی آگاهانه و هماهنگ برای ایجاد یک نظام کسب‌وکار رقابت‌پذیر همراه بوده است، برای کشورهای هم‌چون ایران حاوی نکات ارزشمندی است. دولت چین با دعوت از بنگاه‌های خارجی به کشور، برتری فناوری آن‌ها را نسبت به مؤسسات داخلی که بعداً مجبور به رقابت با یکدیگر می‌شدند، نشان می‌داد. همچنین امکان دسترسی بنگاه‌های تجاری دولتی به فناوری‌های خارجی و شیوه‌های مدیریتی آنان را فراهم کرد که این امر خود موجب افزایش کیفیت سرمایه انسانی در چین شد. دولت چین در ادامه، با راه‌اندازی بنگاه‌های تجاری رو ستایی، میان بنگاه‌های محلی رقابت ایجاد کرد و با افزایش تولید، آن‌ها را به سوی صادرات به بازارهای خارجی هدایت و دسترسی آن‌ها به فناوری و بودجه را به ارتقای نظام‌مند مهارت‌ها منوط کرد. همچنین موجبات بهسازی فناوری را از طریق ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت کاملاً کنترل شده^{۷۰} فراهم آورد. در مجموع نگاه منسجم و هماهنگ به ابعاد مختلف نظام کسب‌وکار همچون افزایش رقابت در سطح بنگاه، افزایش صادرات (سیاست تجاری)، اعطای مجوز استفاده از فناوری و دسترسی به آن (سیاست فناوری)، تعیین بخش‌های اولویت‌دار صنعتی و نظارت بر ورود سرمایه‌گذاری خارجی (سیاست صنعتی) و توسعه سرمایه انسانی (پارانه‌های آموزشی و ارتقای کیفیت نیروی کار) باعث شد پیش از آنکه بنگاه‌ها در معرض دشواری‌های تجارت آزاد بین‌المللی قرار گیرند، یکی پس از دیگری توانمندی‌های ضروری برای حضور و بقا در بازارهای رقابتی را کسب کنند (Qian, Y. 1999, p. 93).

بنابراین ضروری می‌نماید که سیاست‌گذاران کلان کشور، عضویت در سازمان تجارت جهانی را با هدف افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی کشور از طریق ایجاد هماهنگی در تدوین سیاست‌های تجاری، صنعتی و فناوری پیگیری کنند. تجربه الحاق کشورهای موفق نشان می‌دهد در فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی، زمان‌بندی دقیق مذاکرات، توالی مناسب اصلاحات داخلی و گشایش هدفمند سرمایه‌گذاری خارجی منطبق با اهداف سیاست صنعتی در حین اصلاحات

و قبل از آزاد سازی تجاری برای آماده سازی کشور جهت رقابت پذیری بین المللی بسیار مهم است. از این رو لازم است سیاست گذاران کشور به دنبال افزایش اتفاق نظر ملی، تعیین جدول زمانی برای اصلاحات اقتصادی کشور، ترغیب اعضای سازمان تجارت جهانی به امکان استفاده ایران از فرایند مذاکرات و دوره گذار در جهت ایجاد یک حرکت منظم به سوی نظام جهانی باشند تا این امکان را برای بنگاه های تجاری کشور فراهم آورند که به اوضاع خود سروسامانی دهند. تغییرات ساختاری که ممکن است در طول دوره گذار در ایران اتفاق بیفتد، در کنار سایر اصلاحات نهادی به مفهوم اعم آن، می تواند شرایط مناسبی برای بهبود توان رقابتی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی ایجاد کند (کمالی اردکانی، ۱۳۹۴، ص. ۲).



پی‌نوشت‌ها

۱. www.wto.org, (WT/ACC/1)

۲. ۵ طرح کلی یادداشت رژیم تجاری شامل هفت فصل ذیل با زیرفصل‌ها و پیوست‌های آن است: مقدمه - اقتصاد، سیاست‌های اقتصادی و تجارت خارجی - چارچوب تبیین و اجرای سیاست‌های مؤثر بر تجارت کالا و خدمات - سیاست‌های مؤثر بر تجارت کالا - جنبه‌های مرتبط با تجارت رژیم مالکیت فکری - جنبه‌های مرتبط با تجارت رژیم خدمات - مبنای سازمانی برای تجارت و روابط اقتصادی با کشورهای ثالث. علاوه بر این یادداشت یا (اغلب) در ضمن آن می‌باید اطلاعات مربوط به نوع و مقدار یارانه‌های صادراتی و حمایت‌های داخلی کشاورزی و نیز اقدامات سیاستی مؤثر بر تجارت خدمات در توضیح اقدامات و قوانین مربوطه و مقررات‌گذاری اقدامات افقی و بخش‌های خاص بر اساس روش‌های عرضه، تسلیم سازمان گردد.

۳. موزون‌شده بر اساس آمار واردات اقلام مربوط در سال ۲۰۰۰ (منبع: سازمان تجارت جهانی)

۴. جدول تعهدات خدمات چین، پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان تجارت جهانی
WT/ACC/CHN/49/Add.2

۵. چین در حال حاضر عضو ناظر این موافقت‌نامه و همچنین در حال مذاکره برای پذیرش کامل موافقت‌نامه است.

۶. بر اساس قوانین و مقررات سرمایه‌گذاری خارجی چین، حوزه‌های مورد تشویق که شامل معافیت‌های مالیاتی و انواع ترجیحات هستند عمدتاً عبارت‌اند از: صنایع «های‌تک»، صنایع دارای فناوری نو، صنایع سازگار با محیط زیست، صنایع پیشرو در بازارهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری در مناطق محروم و غربی کشور. حوزه‌هایی که برای سرمایه‌گذاری با محدودیت مواجه هستند، عبارت از صنایع از رده خارج و قدیمی، صنایع انرژی‌بر، صنایع مرتبط با استخراج مواد معدنی خاص، صنایعی که به تدریج از مالکیت دولتی خارج می‌شود و صنایع مخرب محیط زیست.

منابع

امیدبخش، اسفندیار (۱۳۸۸). بررسی تجربیات کشورهای منتخب در فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
کمالی اردکانی، مسعود (۱۳۹۴). عضویت در سازمان تجارت جهانی با هدف افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
که‌ریزی، ندا (۱۳۹۸). ظهور چین؛ نظم چندقطبی غیر منازعه آمیز، انتشار در پایگاه مؤسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، قابل دسترسی در:

<http://tisri.org/?id=t6a5tk6>

گروه مترجمان (۱۳۹۴). ایجاد تحول در اقتصاد: سیاست صنعتی در خدمت رشد، اشتغال و توسعه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
مازار، مایکل و همکاران (۱۳۹۸). اقتصاد سیاسی جهانی؛ درک نظم اقتصاد بین‌الملل، (مهدی میرمحمدی و همکاران، ترجمه)، تهران: مؤسسه تدبیر اقتصاد.
مرادپور و گونگ بابه‌وآ (۱۳۸۷). تجربه چین در ایجاد مرکز مشاوره‌ای برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۹. صص. ۲۸ - ۲۱
موسوی شفاپی، مسعود و همکاران (۱۳۹۵). دیپلماسی اقتصادی و قدرت‌یابی چین در عرصه جهانی، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سال اول، شماره دوم.
میرترابی، سید سعید و کشوریان آزاد، محسن (۱۳۹۹). تأثیر خیزش چین بر نظم تجاری بین‌المللی (۲۰۲۰-۲۰۰۱)، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۳۷، صص ۱۵۴ - ۱۲۳

Che, L (2019). "China's State – Directed Economy and the international order", Carnegie Endowment for international peace.

Deepak Bhattasali, Shantong Li &, William J. Martin (2004). China and the WTO: Accession, Policy Reform, and Poverty Reduction Strategies. World Bank Publications.

Hopewell, K (2019). "US – China conflict in global trade governance: the new politics of agricultural subsidies at the WTO", Review of international

political economy, Vol. 26, No. 2.

Li, S and Tu, X (2018). "Impact of Chinese Characteristics on the World Trade Organization: Challenges and Strategies", China and World Economy, Vol. 26, No. 2.

McKinsey Global Institute (2019). China and the world: Inside the dynamics of a changing relationship.

Nithan, M (2016). "The Gulf States in international Political Economy", NewYork: Palgrave Macmillan.

Qian, Y. (1999). The Process of China's Market Transition: The Evolutionary, Historical, and Comparative Perspectives.

U. Srinivasa Rangan (2004). Russia and the WTO: A National Business System Perspective

UNCTAD (2002). Trade and Development Report: China's accession to WTO: Managing integration and industrialization.

Wolf, R (2015). "First diagnose, then treat: what ails the Doha Round?" World Trade Review, Vol. 14, No. 1.

Yeling Tan (2021), How the WTO Changed China: The Mixed Legacy of Economic Engagement, Foreign Affairs Magazine

www.wto.org